



### مقایسه تصور مثبت از خدا در زوجین دارای فرزند کم‌توان ذهنی و زوجین دارای فرزند عادی (۶ تا ۱۲ ساله) شهر اصفهان

صمد توکلی<sup>۱</sup>، لادن معین<sup>۲</sup>

#### چکیده

این پژوهش با هدف مقایسه تصور مثبت از خدا در زوجین دارای فرزند کم‌توان ذهنی و زوجین دارای فرزند عادی (۶ تا ۱۲ ساله) شهر اصفهان انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع مقایسه ای بود. گروه نمونه والدین ۷۰ کودک کم‌توان ذهنی و ۷۰ کودک عادی از دو دبستان ابتدایی دخترانه و پسرانه عادی و همچنین دو مدرسه کودکان استثنایی به شیوه خوشه‌ای چند مرحله-ای انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات والدین سؤالات مقیاس اصلی تصور مثبت از خدا در پرسشنامه وضعیت مذهبی (RSI) را تکمیل کردند. با استفاده از آزمون  $t$  به بررسی و تحلیل فرضیه پژوهش پرداخته شد. نتایج نشان داد میزان تصور مثبت از خدا در والدین دارای فرزند کم‌توان ذهنی از والدین با کودکان عادی کمتر می باشد ( $P < 0/01$ ). همچنین بین میزان تصور مثبت از خدا در مادران و پدران تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که میزان تصور مثبت از خدا در مادران، کمتر از تصور مثبت از خدا در پدران می باشد ( $P < 0/01$ ).

نتیجه گیری: تولد فرزند معلول، مشابه متغیری بحران زا کاهش تصور مثبت از خدا در والدین و به ویژه مادران را در پی دارد.

واژه‌های کلیدی: تصور مثبت از خدا، والدین، کم‌توان ذهنی

۱ نویسنده مسئول: کارشناس ارشد توانبخشی دانشگاه آزاد مرودشت، اصفهان، ایران. آدرس پست الکترونیک <tavakoli199191@gmail.com>

۲ نویسنده مسئول: دکتری مدرس دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، ایران.



## ۱- مقدمه

روان‌پزشکان فردی را از نظر روانی سالم می‌دانند که تعادلی بین رفتارها و کنترل او در مواجهه با مشکلات اجتماعی وجود داشته باشد. از این دیدگاه انسان و رفتارهای او در مجموع یک سیستم در نظر گرفته می‌شود که بر اساس کیفیت زندگی تأثیر و تأثر متقابل ملاحظه می‌شود، عمل می‌کنند. با این دید سیستماتیک که چگونه عوامل متنوع زیستی انسان بر عوامل روانی اجتماعی او اثر گذاشته و بالعکس از آن اثر می‌پذیرد. تعداد معلولین دنیا نزدیک به ده درصد جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند. هفتاد و پنج درصد این عده، از ساکنین جهان سوم هستند (قدمی و کاکوجویاری ۱۳۹۰). با توجه به آمار در سال ۱۳۸۵ در کشور ما حدود ۲ میلیون و هشت هزار معلول وجود دارد که از این تعداد ۲۸۷۹۵ نفر کم توان ذهنی هستند (کوهسالی، میرزمانی، کریملو، میرزمانی، ۱۳۸۷). ولف<sup>۱</sup> (۱۹۹۱)، معتقدند تولد کودک با کم توانی ذهنی، خرده نظامهای درون خانواده و نظامهای بیرون از خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موجب فشار بیشتری در درون نظام خانواده می‌شود و انسجام و سازگاری درون نظام را به خطر می‌اندازد و در نتیجه احتمال نارسایی کارکرد خانواده افزایش می‌یابد و موجب تنش در خرده نظامهای خانواده می‌شود (شکوهی یکتا، به پژوه، غباری بناب، زمانی، و پرند، ۱۳۸۷). یک گروه از این خانواده‌ها، خانواده هایی هستند که دارای یک یا چند فرزند با نیازهای ویژه می‌باشند (دیترو و دکارت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ به نقل از یکتاخواه، علامه و گرجی، ۱۳۹۳).

مدارک زیادی در دست است که نشان می‌دهد تولد فرزند معلول، مشابه متغیری بحران زا و فشار آفرین اختلال رفتاری و شخصیتی والدین و به ویژه مادران (کوهسالی، میرزمانی، کریملو، میرزمانی، ۱۳۸۷) را در پی دارد. برای نمونه می‌توان به واکنشهایی مانند مزمن در تحقیق اولشانسکی<sup>۳</sup> (۱۹۶۲)؛ افسردگی، اضطراب و پرخاشگری (راید - برنت<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰؛ به نقل از نریمانی، آقامحمدیان، و رجبی، ۱۳۸۶)؛ استرس (گوپتا و کائور<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰)؛ فشار روانی، نشانگان افسردگی و از هم گسیختگی خانوادگی (کوهسالی، میرزمانی، کریملو، و میرزمانی، ۱۳۸۷)، واکنشهای نوروتیک (خواجه پور، ۱۳۷۷؛ به نقل از نریمانی و همکاران، ۱۳۸۶)؛ سطح بهزیستی روانشناختی ضعیف، پرخاشگری، اضطراب، وسواس، حساسیت بین فردی، روانپریشی، جسمانی کردن و افسردگی (بیات، صالحی، بزرگ نژاد، و اصغری، ۲۰۱۱)؛ و افسردگی (اولسون و وانگ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱؛ موو، کو، و چانگ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵)، اشاره کرد. نتایج پژوهش کلینگ و سلترز و ریف<sup>۸</sup> (۲۰۰۱) نیز در همین راستا روی بهزیستی روان شناختی نشان داده است مادران دارای فرزند عادی در مؤلفه های خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی و پذیرش خود، نسبت به مادران دارای فرزند کم توان ذهنی وضعیت بهتری دارند، اما در مؤلفه احساس داشتن هدف در زندگی، مادران دارای فرزند کم توان ذهنی بهتر بودند (به نقل از میکائیلی

<sup>1</sup>. Wulff

<sup>2</sup>. Deater & Devkard

<sup>3</sup>. Olshansky

<sup>4</sup>. Ryde- Brandt

<sup>5</sup>. Gupta,., Kaur

<sup>6</sup>. Olsson, Hwang

<sup>7</sup>. Mu, Kuo, Chang

<sup>8</sup>. Harkness & Luther



منیع، ۱۳۸۸). در پژوهش بنی جمالی، نفیسی و یزدی (۱۳۸۳) نیز وجود بیماری های جسمی، روانی و اختلالات رفتاری اعلام نشده از سوی همسران و اعضای خانواده های آنها را عامل سستی روابط بین زوجین عنوان کردند. یکی از نیازهای انسان نیاز به دین است و اولین مرتبه دینداری، شناخت خدا و ایمان به اوست. یکی از روشهای کارآمد در رشد و ارتقای این شناخت، شناسایی صفات خداوند توسط افراد می باشد (داوودی، ۱۳۸۹). در روانشناسی سطوح اعتقاد به خدا بر نگرش افراد به مفاهیم زندگی و رفتارهای متنوع (به نقل از مایلو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵) و در کل، بر رضایت فرد از زندگی اثر می گذارد. لارنس (۱۹۹۷) معتقد است که تصور از خدا بیشتر به عواطف شخص نسبت به کلمه خدا باز می گردد. علاوه بر این، مشاهده گردیده هنگامی که افراد درگیر وقایع بحرانی می شوند این اتفاقات را نسبت به وقایع معمولی، بیشتر به خدا و جنبه قهاریت آن نسبت می دهند (گورساخ و اسمیت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). تصویری که افراد از خدا دارند، بر اساس صفاتی است که برای خداوند بیان می کنند. خداوند به عنوان مبدأ آفرینش، از مهمترین موضوع هایی است که ذهن بشر را به خود معطوف کرده است. خداوند هرگز دیده نشده است اما با صفاتش توصیف شده و بشر به گونه ای او را حس کرده است (کاباریک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸؛ به نقل از علوی، ۱۳۸۵).

اصطلاح «تصور از خدا» می تواند به عنوان شناخت هیجانی افراد از خدا تعریف شود و بیشتر بر پایه تجارب هیجانی و عاطفی فرد مبتنی است (سچاپ - جونکر، اورلینگس - بونتکو ورهاگن و زک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). به راستی وقتی افراد به خدا فکر می کنند، چه تصویری از خدا در ذهن آنان نقش می بندد. تصور از خدا یک متغیر پیچیده روان شناختی است که به نظر می رسد مفهومی چند بعدی و یا چند متغیری است که تحت حیطه وسیعتری به نام دین قرار دارد (لی و ارلی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰).

هانچ<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) در تحقیقی به این نتیجه رسید که با شروع سن ۱۰ سالگی تصور از خدا به طور برجسته ای تحت تاثیر محیطی (مذهبی یا غیرمذهبی) که افراد در آن رشد کرده اند، قرار می گیرد. این تصور شامل انتظاراتی است از قبیل این که خدا باید تمام مشکلات روی زمین را حل کند و پوشش دهد، اگر این گونه نباشد چون خدا طبق انتظارات آنان عمل نکرده است یا خدای بی قدرتی است و یا اصلاً وجود ندارد (ساروخانی، ۱۳۹۰). مطالعات زیادی در مورد اهمیت کتب مقدس، مفاهیم گناه و صور از خدا انجام شده است، اما موضوع تصور از خدا به دلیل اینکه مذهب شخصی افراد را نشان می دهد، بیش از سایر مفاهیم و موضوعات دینی مورد مطالعه قرار گرفته است (دی روس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴). در روانشناسی سطوح اعتقاد به خدا بر نگرش افراد به مفاهیم زندگی و رفتارهای متنوعی از انتخاب دوست و شریک زندگی (به نقل از مایلو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵) و در کل، بر رضایت فرد از زندگی اثر می گذارد. در این میان، مطالعه غباری بناب، حدادی کوهسار، رشیدی احمدآبادی، و جوادی آسایش (۱۳۹۱) نشان داده است که والدین کودکان استثنایی که تصور مثبتی از

<sup>1</sup>Maiello

<sup>2</sup>Gvrsvkh & Smith

<sup>3</sup>Kabariec

<sup>4</sup>Schaap - Jonker, Eurelings - Bontekoe, Verhagen & Zock

<sup>5</sup>Lee & Early

<sup>6</sup>Hanisch

<sup>7</sup>DeRoos,

<sup>8</sup>Maiello



خدا داشتند و سبک دلبستگی به خدا در آنان ایمن بود، از سلامت روانی بیشتری برخوردار بودند. نتایج بهرامی احسان و رضاپور میرصالح (۱۳۸۹) نشان داد که سبکهای مقابله ای، جهت گیری مذهبی و ابعاد شخصیت هر یک قادر به پیش بینی درصد معناداری از سلامت روان مادران دارای کودک کم توان ذهنی هستند. ایشان نتیجه گرفتند که کمک به مادران دارای کودک کم توان ذهنی در پذیرش کودک خود، یافتن معنا در زندگی و محکم تر کردن اعتقادات مذهبی خود می تواند تأثیر بسزایی در افزایش سطح سلامت روان آنها داشته باشد.

موضوع تصور از خدا موضوع جدیدی است که جزئی از نگرش های مذهبی و دینی می باشد و مقالات چاپ شده در این زمینه نسبت به درجه اهمیت آن و نقش مؤثری که در زمینه مسائل خانوادگی و تربیتی دارد کم می باشد. بنابراین بررسی این موضوع و ضرورت انجام این تحقیق مورد توجه محقق قرار گرفت. از طرفی بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش ها، نشان دهنده آن است که تصور مثبت از خدا میزان سلامت روانی را تحت تأثیر قرار می دهد. اما مطالعه ای مستند در مورد بررسی تصور مثبت از خدا بین زوجین دارای فرزند کم توان ذهنی و عادی در مطالعات داخلی مشاهده نشد. با توجه به خلأ تحقیقاتی سوال اساسی در این پژوهش این است که آیا بین زوجین دارای فرزند کم توان ذهنی و عادی در متغیر تصور مثبت از خدا تفاوت وجود دارد؟

### ۱- مواد و روشها

روش تحقیق در این پژوهش، پس رویدادی از نوع علی - مقایسه ای و نیز کتابخانه ای بوده است. در این تحقیق متغیر مستقل عبارت است از والدینی دارای فرزند کم توان ذهنی و عادی و متغیر وابسته عبارت است از نمره تصور مثبت از خدا در زوجین که از پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق بدست آمد. جامعه ی آماری پژوهش شامل کلیه - ی زوجین دارای کودکان (۶ تا ۱۲ ساله) کم توان ذهنی تحت آموزش "مدارس کودکان استثنایی شهر اصفهان" و زوجین دارای کودکان عادی (۶ تا ۱۲ ساله) مقطع ابتدایی شهر اصفهان بودند. از بین جمعیت آماری تحقیق با همتا سازی برخی ویژگیهای جمعیت شناختی، با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای ابتدا ناحیه چهار اصفهان از بین نواحی آموزش و پرورش شهر اصفهان بطور تصادفی انتخاب شد. سپس از بین مراکز دبستانی این ناحیه دو دبستان ابتدایی دخترانه و پسرانه عادی و همچنین دو مدرسه کودکان استثنایی بطور تصادفی انتخاب گردید. نمونه - ی پژوهش به تعداد ۳۵ کودک کم توان ذهنی از دو مدرسه کودکان استثنایی و ۳۵ کودک عادی از دو دبستان ابتدایی و در نهایت ۱۴۰ کودک در مجموعه به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند. سپس پرسشنامه وضعیت مذهبی (RSI) توسط والدین کودکان تکمیل شدند.

### ۲- ابزارهای پژوهش

ابزار سنجش نوع تصور از خدا در دانش آموزان در این پژوهش، پرسشنامه وضعیت مذهبی (RSI) است. این آزمون شامل ۲۷ سوال و سه خرده آزمون، حضور خدا در زندگی (سوالات ۱ تا ۱۱)، مراقبت خداوند (سوالات ۱۲ تا ۲۱) و تصور منفی از خداوند (سوالات ۲۲ تا ۲۷) می باشد. خرده آزمونهای حضور خدا در زندگی و مراقبت خداوند با هم ترکیب شده





و مقیاس تصور مثبت از خدا را تشکیل داده‌اند. بنابراین در نهایت پرسشنامه از دو مقیاس اصلی تصور مثبت از خدا و تصور منفی از خدا تشکیل شده است. در این پژوهش از مقیاس تصور از خدا ترجمه خسروی (۱۳۸۴) استفاده شده است. با توجه به این که برای نمره‌گذاری از مقیاس لیکرت (۰-۱-۲-۳) استفاده شد. حداکثر نمره آزمودنی‌ها می‌توانست ۸۱ باشد. نقطه برش برای تفکیک افراد سالم از بیمار با توجه به تحقیقات انجام شده در ایران نمره ۲۳ و در هر یک از خرده مقیاس‌ها، نمره ۱۴ تعیین شد. خسروی و فیض‌آبادی (۱۳۸۸)، پایایی پرسش‌نامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمجموعه‌های «تصور منفی از خدا» ۰/۷۶، «تصور مثبت از خدا» ۰/۸۵، «حضور خدا در زندگی» ۰/۸۳ و برای کل پرسش‌نامه ۰/۷۹ و نتیجه آزمون و آزمون مجدد را ۰/۷۹ گزارش کردند. همچنین برای بررسی روایی پرسش‌نامه، از روش «روایی همزمان» استفاده نمودند و همبستگی پرسش‌نامه «تصور از خدا» را با پرسش‌نامه «نگرش‌های مذهبی خدایاری فرد» محاسبه کردند و ضریب همبستگی به دست آمده را برابر ۰/۶۷ گزارش نمودند که معنادار است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای عامل تصور مثبت از خدا ۰/۷۱ و برای کل پرسش‌نامه ۰/۸۲ گزارش شد.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

بعد از جمع آوری پرسشنامه‌ها، داده‌های خام با نرم افزار SPSS و با روش‌های آماری توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آزمون t تجزیه و تحلیل شد. جهت بررسی نرمال بودن توزیع از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده گردید.

### ۴- یافته‌های پژوهش

#### ۴-۱- آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی:

در جدول (۱) آماره‌های توصیفی همچون میانگین، میانه، انحراف استاندارد، مینیمم و ماکسیمم برای متغیرهای مورد بررسی به ازای تمامی افراد مطالعه ارائه شده است:

جدول-۱: میانگین و انحراف معیار نمره‌ی متغیرهای مورد بررسی به تفکیک دو گروه والدین و به تفکیک مادران و پدران



| متغیر مورد بررسی | گروه                          | مادران  |          | پدران   |                  | کل    |
|------------------|-------------------------------|---------|----------|---------|------------------|-------|
|                  |                               | میانگین | انحراف ف | میانگین | انحراف استاندارد |       |
| تصور مثبت از خدا | والدین با کودکان عادی         | ۸۴      | ۸/۶۶     | ۸۴      | ۱۴/۰۲            | ۸۰/۸۴ |
|                  | والدین با کودکان کم توان ذهنی | ۱۱      | ۱۹       | ۵۶      | ۱۶/۲۰            | ۶۷/۳۴ |
| تصور مثبت از خدا | والدین با کودکان عادی         | ۵۷      | ۱۱       | ۷۷      | ۱۶/۲۰            | ۶۷/۳۴ |
|                  | والدین با کودکان کم توان ذهنی | ۱۱      | ۱۹       | ۵۶      | ۱۶/۲۰            | ۶۷/۳۴ |

#### ۲-۴- بررسی پیش فرض نرمال بودن:

قبل از بررسی فرضیه های پژوهش، فرض نرمال بودن متغیرها مورد بررسی قرار می گیرد که نتایج آن بصورت زیر می باشد:

جدول ۲- آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد بررسی

| متغیر مورد بررسی | گروه                           | آماره ی Z | سطح معناداری |
|------------------|--------------------------------|-----------|--------------|
| تصور مثبت از خدا | والدین دارای کودک کم توان ذهنی | ۱/۴۵۹     | ۰/۰۲۸        |
| تصور مثبت از خدا | والدین دارای کودک عادی         | ۱/۱۵۴     | ۰/۱۴۰        |

چنانچه در جدول (۲) مشاهده می شود، در مولفه تصور مثبت از خدا والدین پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرها برقرار می باشد چون در این مولفه مقادیر P بزرگتر از ۰/۰۵ بوده است. بنابراین استفاده از آزمون های پارامتریک برای داده های حاضر بلامانع می باشد.

#### ۳-۵- بررسی فرضیه های پژوهش:

فرضیه ۱. بین تصور مثبت از خدا در زوجین دارای فرزند کم توان ذهنی و دارای فرزند عادی تفاوت معنادار وجود دارد.

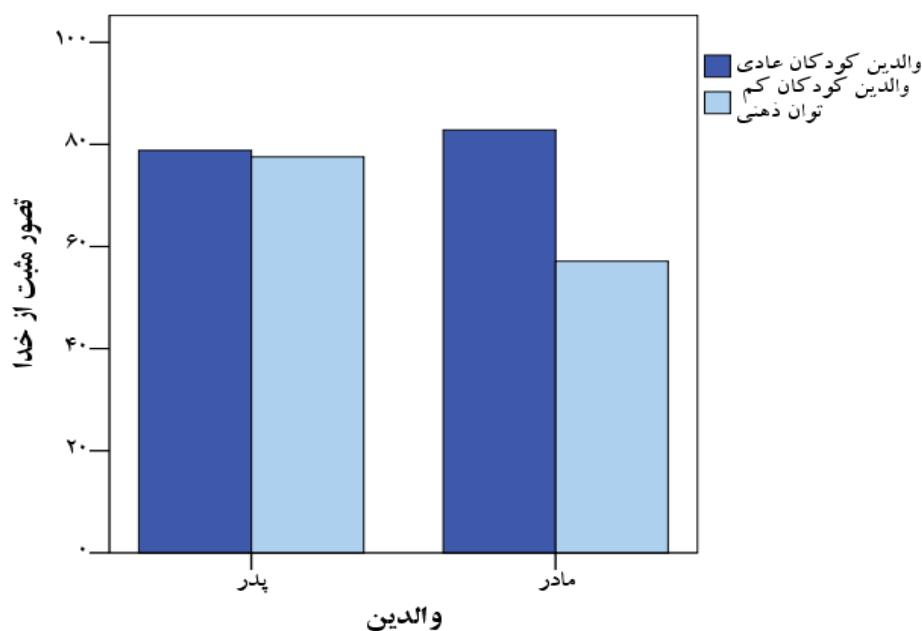
در جدول زیر نتایج بررسی تفاوت میزان تصور مثبت از خدا در زوجین دارای فرزند کم توان ذهنی و زوجین دارای فرزند عادی، با استفاده از آزمون تی ارائه شده است که نتایج به صورت زیر می باشد:



جدول-۳: نتایج آزمون تی در بررسی تفاوت میزان تصور مثبت از خدا زوجین دارای فرزند کم توان ذهنی و زوجین دارای فرزند عادی

| تصور مثبت از خدا در زوجین | میانگین | انحراف معیار | t     | سطح معناداری |
|---------------------------|---------|--------------|-------|--------------|
| با فرزند عادی             | ۸۰/۸۴   | ۱۱/۷۸        | ۶/۷۲۲ | <۰/۰۰۰۱      |
| با فرزند کم توان ذهنی     | ۶۷/۳۴   | ۲۰/۶۵        |       |              |

چنانچه در جدول (۳) مشاهده می شود تفاوت میزان تصور مثبت از خدا در دو گروه والدین در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد چون سطح معناداری آن کمتر از ۰/۰۱ بدست آمده است. با توجه به مقدار میانگین تصور مثبت از خدا زوجین در دو گروه نتیجه می شود که میزان تصور مثبت از خدا در والدین با کودک کم توان ذهنی، بیشتر از میزان تصور مثبت از خدا در والدین با کودکان عادی می باشد و این اختلاف در سطح ۰/۰۱ معنادار است.



نمودار -۳: مقایسه میانگین نمره ی تصور مثبت از خدا در والدین به تفکیک دو گروه (والدین با کودک کم توان ذهنی و والدین با کودکان عادی) و همچنین به تفکیک مادران و پدران

# Global Conference

on

2016 May 19

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium



همانطور که مشاهده می شود بطور کلی تصور مثبت از خدا در والدین با کودک کم توان ذهنی کمتر از تصور مثبت از خدا در والدین با کودکان عادی می باشد و همچنین مشاهده می شود که در گروه والدین با کودک کم توان ذهنی ، میزان تصور مثبت از خدا در مادران بسیار کمتر از پدران بوده است.





## بحث

این پژوهش به منظور مقایسه تصور مثبت از خدا در زوجین دارای فرزند کم توان ذهنی و زوجین دارای فرزند عادی (۶ تا ۱۲ ساله) شهر اصفهان انجام گرفته است.

نتایج در فرضیه تحقیق حاضر نشان داد که بین تصور مثبت از خدا در زوجین دارای فرزند کم توان ذهنی و دارای فرزند عادی تفاوت معنادار وجود دارد. در بررسی های به عمل آمده توسط پژوهشگر پژوهشی که با نتیجه حاضر همخوان باشد بدست نیامد در تبیین این یافته از تحقیق حاضر می توان گفت ایمان و التزام قلبی انسان به باورها و اصول مسلم دینی، محرک بسیار قوی برای انسان در انجام کارهای متقن و محکم اوست. اعتقاد به خدا و تصور مثبت از خدا انسان را وظیفه شناس نموده و او را وادار می کند که در برنامه ریزی صحیح، سعی بسیار کرده و در انجام وظیفه خود دقت کافی به

خرج دهد. در تمام زمینه های زندگی نیز چنین است چون همه چیز را از خدا دانسته و او را در همه حال ناظر بر اعمال خود می بیند. ایمان و وظیفه شناسی در امر تربیت فوق العاده ضروری است. بنابراین با توجه به این که والدین کودکان کم توان ذهنی بنا به مسائل متعددی از قبیل هزینه های اقتصادی سنگین، محدودیت در روابط اجتماعی، تحمل

سرزنش ها و تحقیر دیگران، از دست دادن عزت نفس، بهداشت روانی پایین، استرس بیشتری را نسبت به زوجین دارای فرزند عادی در زندگی زناشویی و تربیت و نگهداری کودکان کم توان ذهنی خود متحمل می شوند. از آنجا که تصور از خود و عزت نفس شاخص بهتری برای چگونگی تصور از خدا می باشد، بخصوص در افرادی که برای آنها اعتقاد به خدا بسیار مهم است و این همان نتیجه ای است که از داده های این پژوهش حاصل شد. هرچه عزت نفس و تصور از خود مثبت تر بوده خدا مثبت تر، حامی تر، مهربان تر و قدرتمند تر تصور باشد. در پژوهشها اشاره شده است که روابط والد-فرزند هم بر عزت نفس و هم بر تصور از خدا تأثیر گذار است و به هر حال این تصورات از خود ممکن است به طور متفاوتی در افراد با تصور از خدا مرتبط باشد. بنابراین تصور مثبت از خدا در والدین با کودک کم توان ذهنی کمتر از تصور مثبت از خدا در والدین با کودکان عادی می باشد و همچنین تولد کودک کم توانی ذهنی موجب فشار بیشتری در درون خانواده شده و انسجام و سازگاری درونی این نظام را به خطر می اندازد و موجب تنش خانواده می شود. این تاثیرات منفی به جهت عاطفی بودن بیشتر مادر و درگیری بیشتر مادر با مشکلات کودک فشار روانی بیشتری بر مادر وارد می کند که می تواند توجیهی در جهت این یافته از پژوهش حاضر باشد که نشان داد در گروه والدین با کودک کم توان ذهنی، میزان تصور مثبت از خدا در مادران بسیار کمتر از پدران بوده است. در تأیید این یافته ها ک کانگ، کیم، سونگ<sup>۱</sup> و کیم (۲۰۱۳) به این نتایج دست یافتند که احساس معنی در زندگی و احساس احترام به خود به طور قابل توجهی افزایش و افسردگی کاهش داشته است. ملتبی، لویز و دی<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) دریافتند که حمایت اجتماعی ثابت، ایمان ایمان استوار و احساس نزدیک بودن به خدا و داشتن تصور دوستانه از خداوند با شادی ارتباط دارد،

از جمله محدودیتهای پژوهش حاضر اینکه جامعه مورد مطالعه زوجین دارای کودکان (۶ تا ۱۲ ساله) کم توان ذهنی تحت آموزش "مدارس کودکان استثنایی شهر اصفهان" و زوجین دارای کودکان عادی (۶ تا ۱۲ ساله) بوده است که از

<sup>۱</sup>. Kang, Kim & Song

<sup>۲</sup>. Maltby, Lewis & Day

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium



توان تعمیم دهی آن می کاهد. بنابراین با در نظر گرفتن این محدودیت پیشنهاد می شود که تحقیق حاضر در سطح استان و بر روی گروه های دیگر کودکان اجرا شود. از دیگر زمینه های مناسب برای پژوهش های بعدی می توان به بررسی تاثیر آموزش مفاهیم دینی ادراک از خدا در دو شکل تصور مثبت و منفی و مقایسه آن اشاره کرد. . در این راستا اجرای کلاس های ویژه آموزش والدین کودک کم توان ذهنی در زمینه مقابله با مشکلات روانی حاصل از تربیت و نگهداری کودکان کم توان ذهنی براساس جنسیت، سن، نوع معلولیت و بهره هوشی کودکان از طرف ارگان ها و سازمان های مختلف از جمله بهزیستی، آموزش و پرورش کودکان استثنایی و صدا و سیما ضروری می نماید.



### منابع

- خسروی، ز.، فیض آبادی، س.، (۱۳۴). «سبک دل‌بستگی و تصور از خدا در بین زنان متأهل خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق شهر کاشان»، اندیشه‌های نوین تربیتی، ش ۱۹، ص ۵۴-۳۷.
- خلجی، ح. (۱۳۸۹). شیوه‌های موثر نهادینه کردن حجاب در کودکان و نوجوانان، مجله طهورا- فصلنامه مطالعات زنان و خانواده، صص ۱۴۹ تا ۱۷۳.
- داوودی، م. (۱۳۸۹). سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، جلد دوم (تربیت دینی)، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ساروخانی، ب. ۱۳۹۰. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش
- صادقی، م.، مظاهری، م.، حیدری، م. (۱۳۸۵). میزان مذهبی بودن والدین، منابع متفاوت شناخت دینی و تصور از خدا، فصلنامه خانواده‌پژوهشی، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۹۱-۱۷۸.
- علوی، ز. (۱۳۸۵). بررسی رابطه احساس گناه مرضی و تصور از خدا با افسردگی و امیدواری در بیماران سرطانی،

De Roos, S. A. (2004). Young children's God concepts: Influences of attachment and socialization in a family and school context. *Paper to be presented at the REA/APRRE conference in Denver*, November 5-7.

De Roos, S. A; Iedema, J. & Miedema, S. (2004). Influence of maternal denomination, God concepts, and child-rearing practices on young children's God concepts, *Journal for the Scientific Study of Religion*. 43(4), 519-535.

Lee, C.E, & Early, A. (2000). Religiosity and family values: correlates of God image in a protestant sample. *Journal of Psychology and theology*. 28(3): 229 – 239.

Maiello, C. (2005). Degrees of belief in god: A measure of belief for use in cross culture. *Journal of Mental Health Religion & Culture*, 8 (2), 87 – 99.